



## An Investigation of Western Cultures' Presence in the Language and Expression of some Contemporary Iranian Novelists (Case Study: Six Novels of the 80s)

Susan Pourshahram \*

Ph.D. in Persian Language and Literature, Al-Zahra University, Tehran, Iran

Maryam Hosseini 

Professor, Department of Persian Language and Literature, Al-Zahra University, Tehran, Iran

### Abstract

This Article Examines the Use of Vocabulary, Phrases, and Sentences in Selected Stories of the 80s to Explain the Presence of Western Culture and the Place of Self-Culture in Fictional Texts. In Fact, The Diminishing Presence of 'Self' Culture and the Increasing Presence of 'other' Culture Occur Within a Society whose Individuals become so Disoriented in their Cultural Space and Value Functions that they are Easily Detached from their Religious Foundations and Receptive to other Cultural Current Affairs. The High Frequency of the Use of Western Words and Expressions in the Narratives of this Decade Indicates a Lack of Attention to Persian Language, as Well as The Iranian Culture and Identity in Fictional Characters in these Stories. The Semiotics of The Six Best-Selling Stories of the Decade Have Shown that Western Culture and the Use of its Words and Expressions in Contemporary Fiction are Valued, and That the Characters in these Stories Believe that by Aligning with Western Culture they can have a Superior Social Status. This Behavior Leads to the Abandonment of one's Own Culture and the Deprivation of Individuals' Identity in a Society and Westernization. This Research has Been Done Based on the Perspective of Cultural Study of the Text and Aims to Show the Necessity of Preserving Persian Languages and the Authenticity of Iranian Identity.


**Keywords:** Iranian Story, Cultural Identity, Image of the West, Westernization of Language, Eighties.


- The present paper is adapted from a Ph. D thesis on Persian Language and Literature, Alzahra University.

\* Corresponding Author: s.poorshahram@alzahra.ac.ir

**How to Cite:** Pourshahram, S., Hosseini, M. (2021). An Investigation of Western Cultures' Presence in the Language and Expression of Some Contemporary Iranian Novelists (Case Study: Six Novels of the 80s). *Literary Text Research*, 25(90), 31-57. doi: 10.22054/ltr.2020.44167.2738.

## میزان حضور فرهنگ غربی در زبان و بیان برخی از داستان‌نویسان امروز ایران (مطالعه موردی: نشش رمان دهه ۸۰)

دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران \*  سوسن پورشهرام

استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران  مریم حسینی

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی منتخب داستان‌های دهه هشتاد از منظر کاربرد واژگان، عبارات و جملات آن‌ها می‌پردازد تا میزان حضور فرهنگ غرب و جایگاه فرهنگ خودی را در متون داستانی تبیین کند. در واقع، کم‌رنگ شدن حضور فرهنگ «خود» ی و بالارفتن میزان حضور فرهنگ «دیگری» در میان جامعه‌ای رخ می‌دهد که افراد آن در فضای فرهنگی و کارکردهای ارزشی خود چنان بی‌هویت می‌شوند که به راحتی از بنیان‌های اعتقادی خود جدا و پذیرای جریان‌های فرهنگی دیگری می‌شوند. بسامد بالای استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات غربی در روایت‌های این دهه نشانگر کم‌توجهی به زبان فارسی؛ نیز فرهنگ و هویت ایرانی نزد شخصیت‌های داستانی این متون است. نشانه‌شناسی شش داستان برجسته و پرفروش این دهه نشان داد که فرهنگ غربی و کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات آن در ادبیات داستانی معاصر نوعی ارزش به شمار می‌آید و شخصیت‌های این داستان‌ها بر این باورند که با همسوس شدن با فرهنگ غربی می‌توانند برای خود جایگاه اجتماعی برتری فراهم کنند. این رفتار به‌مرور زمان موجب کنار رفتن فرهنگ خودی و تهی شدن هویتی افراد یک جامعه می‌شود. این پژوهش از منظر مطالعه فرهنگی بر روی متن صورت گرفته و هدف آن ضروری نشان دادن مسئله حفظ زبان فارسی و اصالت هویت ایرانی است.

**کلیدواژه‌ها:** داستان ایرانی، هویت فرهنگی، تصویر غرب، غرب‌زدگی زبان، دهه هشتاد.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا(س) است.

\* نویسنده مسئول: s.poorshahram@alzahra.ac.ir

## مقدمه

اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور، برای آموزش و به‌کارگیری فنون و دانش‌های کشورهای خارجی، از جمله راه‌های ارتباط ایران با غرب بود. در واقع، آشنایی ایرانیان با غرب با توصیفات ایرانیانی آغاز شد که برای تحصیل علم و گاه به دلایل شخصی به کشورهای اروپایی سفر می‌کردند و با نگارش سفرنامه‌ها و بیان خاطرات و تجربیات خود، تصاویری از تمدن غرب را نمایش دادند. به این ترتیب، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی یا به‌عبارت‌دیگر روشنفکران ایرانی، پس از آشنایی با فرهنگ غربی و آموختن علم و دانش و دیدن قانون و نظم و توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها خواستار پیشرفت ایران بر اساس سیاست چنین کشورهایی شدند و هر یک با توجه به تجربیاتشان از خود و دیگری (غرب)، واکنش‌های متفاوت و راه‌حل‌های گوناگونی ارائه دادند تا آنجا که سه گفتمان غرب‌گرایی و غرب‌ستیزی و غرب‌زدگی شکل گرفت.

غرب‌گرایان بر این باور بودند که استفاده از الگوهای فرهنگی غرب می‌تواند جامعه ایرانی را به رشد و تعالی برساند و سنت‌های اجتماعی ایران دیگر قادر به پاسخ‌گویی نیازهای امروزی ایرانیان نیست و راه پیشرفت و ترقی جامعه ایرانی در گروه تقلید بی‌چون و چرا از غرب است؛ بنابراین این گروه سعی کردند هم در شکل و هم در محتوا به سمت الگوهای غربی بروند؛ اما غرب‌ستیزان سیاست‌ها و نظام‌های سرمایه‌داری کشورهای غربی را بر ضد دین و مذهب و سنت‌های بومی ایرانیان می‌دانستند و گرایش به سمت غرب را در هر صورت و شیوه‌ای رد می‌کردند؛ گروه سوم اندکی میانه‌روتر بودند، آن‌ها پذیرش تکنولوژی و بومی کردن آن با معیارهای اخلاقی و سنتی ایران را پیشنهاد دادند (ر.ک. قانون‌پرور، ۱۳۹۲). به این ترتیب، نحوه برخورد با غرب، از جمله مسائلی بود که روشنفکران ایرانی در یک قرن اخیر با آن مواجهه کردند.

اما غرب چیست و دقیقاً در کجا قرار دارد و چرا غرب پیشرفته و متمدنی است و شرق عقب‌مانده و مصرف‌گرا؟ جغرافیایی که در حال حاضر غرب را در برمی‌گیرد، مفهومی ذهنی است، ایجاد جامعه‌ای توسعه‌یافته با کارکردهای خاص؛ امروز «غرب» برساخته‌ای

تاریخی است نه جغرافیایی. منظور ما از «غربی» جامعه‌ای توسعه‌یافته، صنعتی، شهری، سرمایه‌دار، سکولار و مدرن [است]. چنین جوامعی در دوره تاریخی خاصی، تقریباً طی قرن شانزدهم، پس از قرون وسطی و شکست فتودالیسم، سر برآوردند. آن‌ها حاصل مجموعه مشخصی از فرایندهای تاریخی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند. امروز هر جامعه‌ای در هر کجای نقشه جغرافیا که از این ویژگی برخوردار باشد، می‌توان گفت که به غرب تعلق دارد. از این رو معنای این واژه معادل معنای واژه مدرن است؛ بنابراین غرب یک ایده و نیز یک مفهوم است» (هلد، ۱۳۸۶). با چنین نگرش و دیدگاهی، تقابل‌های زبانی که به‌نوعی بیان‌کننده برتری و قدرت و ارزشمندی غرب است تشریح می‌شود. در تحلیل و بررسی‌های عمیق‌تر می‌توان به تقابل‌های فراوانی رسید که جلال آل احمد به‌درستی به آن‌ها اشاره می‌کند.

غرب به قول جلال (۱۳۸۸) ممالک متری یا ممالک رشد کرده یا ممالک صنعتی یا همه ممالکی که قادرند به کمک ماشین، مواد خام را به‌صورت پیچیده‌تری درآورند و همچون کالایی به بازار عرضه کنند و این مواد خام فقط سنگ و آهن نیست یا نفت، اساطیر هم هست، اصول و عقاید هم هست و شرق و ممالک عقب‌مانده یا ممالک درحال‌رشد یا ممالک غیرصنعتی یا مجموعه ممالکی که مصرف‌کننده آن مصروفات غرب ساخته‌اند؛ به‌این‌ترتیب، ساختارها و تکنولوژی غربی، فرهنگ غربی را به همراه خود می‌آورد. در پی آن استعمارگران تلاش فراوانی در ازین‌بردن فرهنگ و ارزش‌های آن‌ها و معرفی فرهنگ خود و ترویج آن در سطح جهانی می‌کنند و با چنین رویکردی می‌کوشند تا فرهنگ کشور خود را در برابر فرهنگ کشور تحت سلطه، ارزشمند و معتبر جلوه دهند.

ازسویی روشنفکران و نویسندگان ادبیات داستانی معاصر هم سهم به‌سزایی در پیشبرد چنین نگرشی داشتند؛ چراکه نگاهی به زبان و شیوه نگارش ایشان به‌خوبی تبیین‌کننده این امر است. واژگان به‌کاررفته در این داستان‌ها نشانگر نوعی غرب‌زدگی زبانی است که بی‌شک برخاسته از غرب‌زدگی فرهنگی است. در این مقاله برای بررسی چنین مفهومی در ادبیات داستانی، واژگان و کارکرد زبانی نویسندگان در به‌کار بردن واژه‌های غربی بررسی شده است. فرضیه پژوهش بر این مسئله استوار است که در رمان‌های دهه هشتاد

میزان کاربرد واژه‌های غربی بسیار بالاست و به نظر می‌رسد استفاده از چنین کارکرد واژگانی برای شخصیت‌های ادبیات داستانی، نوعی تشخیص و هویت فرهنگی ایجاد کرده است تا آنجا که شخصیت‌های داستانی می‌کوشند حتی جملاتی را به زبان انگلیسی، فرانسوی و... بیاورند؛ درواقع شخصیتی که قرار است با اندیشه و تفکر خویش سازنده و مروج زبان و فرهنگ کشور خود باشد، ارزشمندی و مباحثات را در کنار گذاشتن فرهنگ خودی می‌بیند و می‌کوشد تا حد امکان نویسنده‌ای وفادار به فرهنگ بیگانه و دیگری و سرکوب‌کننده و تضعیف‌کننده فرهنگ خودی باشد.

میدان مطالعه در این مقاله شش داستان فارسی است:

شب ممکن از محمدحسن شهسواری؛

یوسف آباد، خیابان سی و سوم: سینا دادخواه؛

کافه پیانو: فرهاد جعفری؛

عادت می‌کنیم: زویا پیرزاد؛

نگران نباش: مهسا محب علی

تیفوس: شیوا ارسطویی

نویسندگان این مقاله در انتخاب داستان‌ها پرتیراژ بودن آن‌ها و برگزیده بودن داستان‌ها در جشنواره‌های ادبی را ملاک کار قرار دادند (به‌طور مثال کافه پیانو تا سال ۹۷ به چاپ ۵۹ رسیده است و این یعنی استقبال مردم برای خواندن چنین داستان‌هایی) زیرا همین دو عامل خود گویای اقبال عمومی به چنین داستان‌هایی است و این یعنی داشتن خواننده بسیار و علاقه‌مند که چنین سبک و زبانی را انتخاب می‌کنند و می‌پسندند؛ بنابراین کوشش شد تا ذوق و سلیقه جوانان امروزی یا به عبارتی مخاطبان و خوانندگان داستان سنجیده شود. درواقع؛ نگاهی به زبان و اندیشه ادبیات داستانی معاصر و سنجش جایگاه فرهنگ خود و دیگری در این داستان‌ها یکی از دلایل انتخاب این داستان‌ها بوده است.

پرسش اصلی این مقاله این است که میزان کاربرد واژه‌های خارجی دخیل در زبان فارسی در روایت نویسندگان تا چه اندازه است؟ و چقدر به فرهنگ خودی در این داستان‌ها اشاره شده است؟

پرسش دیگر این است که:

چگونه کاربرد اصطلاحات و واژگان غربی به تأیید فرهنگ غرب و دیگری کمک کرده و موجب شده تا جایگاه خودی و دیگری در این داستان‌ها جابه‌جا شود؟ چارچوب نظری تحقیق، بنابر روش نشانه‌شناسی فرهنگی بنا شده است که به بررسی نشانه‌های متنی آثار داستانی می‌پردازد تا به میزان درجه کاربرد آن دست یابد.

### پیشینه پژوهش

در بحث جایگاه غرب در ادبیات داستانی امروز، تقریباً پژوهشی مرتبط با این موضوع، به‌طور خاص یافت نشد. پژوهش‌هایی که می‌توان به نحوی به آن‌ها استناد کرد و به‌نوعی در کنار مقاله حاضر به مفهوم غرب‌زدگی در داستان امروز ایران اشاره دارند عبارت‌اند از: کتاب *در آینه ایرانی؛ تصویر غرب و غرب‌ها در داستان ایرانی*، محمدرضا قانون‌پرور، مترجم: مهدی نجف‌زاده، تهران: تیسرا، ۱۳۹۲.

قانون‌پرور با خوانش متون داستانی، می‌کوشد تصویری ایدئولوژیک و سیاسی شده از غرب و غربی‌ها در اندیشه و تصور ایرانیان از آغاز تا به امروز، به دست دهد. نویسنده تصویر غرب و غربی‌ها را در داستان‌های ایرانی، سفرنامه‌ها و داستان‌های کوتاه بررسی کرده‌است و با پرداختن به دوره‌های تاریخی، فهم و برداشت ایرانیان از غرب را به دست می‌دهد و به نوعی تقسیم‌بندی برای گفتمان‌های موجود در متون ادبی می‌رسد. کتاب *روشنفکران ایرانی و غرب*: مهرزاد بروجردی، ترجمه مهشید شیرازی، تهران: فرزانه روز، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.

بروجردی در این کتاب به تحلیل نوع نگاه روشنفکران ایرانی به غرب در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰ می‌پردازد. نویسنده براین‌باور است که چگونگی تعامل با غرب و مسئله بومی‌گرایی مهم‌ترین دغدغه روشنفکران ایران در دوران بعد از مشروطه است. این دغدغه آن‌قدر جدی است که می‌توان گفت که اندیشه اصلی افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طالبوف و دیگر بزرگانی از این دست بر

اساس این دغدغه شکل گرفته بود. مسئله اساسی در این پژوهش تحلیل تلاش‌های روشنفکران برای تعریف و تعیین یک هویت ملی ایرانی است.

مقاله «در مصاف دیگری؛ بازخوانی سه رمان فارسی در پرتو گفتمان غرب‌زدگی»، یوسف اباذری، شاپور بهیان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۳۸۶، شماره ۱۰.

در این مقاله رمان‌های شازده احتجاج و بره گمشده راعی اثر هوشنگ گلشیری و نیز رمان سووشون سیمین دانشور با رویکرد گفتمان غرب‌زدگی در دهه ۴۰ تحلیل شده است. این گفتمان بر رد ارتباط با غرب تکیه دارد و پیامدهایی چون حسرت بر سنت و از دست رفتن یکپارچگی آن؛ تحقیر روشنفکران طرفدار غرب نیز، بیزاری از غرب و... را ذکر می‌کند.

مقاله «تأثیر گفتمان غرب‌زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران»، سید صدرالدین موسوی مسعود درودی نفیسه اسلانی کتولی، ادب‌پژوهی سال هشتم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۲۹.

در این پژوهش تأثیر گفتمان غرب‌زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران بررسی و دو رمان شازده احتجاج و بره گمشده راعی اثر هوشنگ گلشیری و نیز رمان سووشون سیمین دانشور در بستر این گفتمان بازخوانی شده است و تقریباً شبیه مقاله پیشین بر رد ارتباط با غرب تأکید شده است.

### تصویر غرب در بررسی و تحلیل شش داستان دهه هشتاد از منظر زبان

کاربرد واژه‌های فرنگی با دستور فارسی از جمله معضلاتی است که سال‌هاست فارسی‌زبانان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما آنچه امروزه پررنگ‌تر و آشکارتر شده است، ورود سیل عظیم چنین واژه‌هایی است که مخاطبان خود را هم یافته است و این یعنی از بین رفتن ارتباط نسل جوان با هزاران سال فرهنگ و ادب این سرزمین، یعنی از دست دادن هویت خود و دیگری شدن. پیش از تحلیل داستان‌ها، خلاصه‌ای از روایت آن‌ها آمده است؛ موضوع و دغدغه اصلی این روایت‌ها انسان مدرن در جامعه امروزی است. انسانی

که گاه از هویت خود فاصله می‌گیرد و دیگری را معیار و الگوی زندگی خود قرار می‌دهد تا بدین وسیله هویت گم‌شده خود را در دیگری بیابد.

### خلاصه‌ای از داستان‌ها

روایت داستانی «عادت می‌کنیم» روایتی است از زندگی سه زن از سه نسل متفاوت. آرزو که از همسرش جداشده، با دختر و مادرش زندگی می‌کند، آرزو پس از مرگ پدر برای پرداخت بدهی‌های او و تهیه مخارج زندگی در بنگاه معاملات ملکی مشغول به کار می‌شود.

«نگران نباش» روایتی است از نابسامانی و درهم‌ریختگی تهران، پس از وقوع زلزله. شادی، شخصیت اصلی داستان، فردی معتاد و لابلالی معرفی می‌شود که روایت داستان را برعهده دارد.

«یوسف آباد خیابان سی‌وسوم» داستان چهار راوی است که در یک آتلیه عکاسی در یوسف آباد، خیابان سی‌وسوم کنار هم جمع شده‌اند. حامد نجات عاشق لیلا جاهد است که به دلیل مخالفت مادرش با این ازدواج، به امریکا می‌رود؛ البته پس از چند سال باردیگر به ایران می‌آید. سامان در آتلیه عکاسی حامد کار می‌کند. سامان نیز عاشق نداست.

در «کافه پیانو» راوی داستان، بعد از رهاکردن کارش در هیئت تحریریه روزنامه، کافه پیانو را برپا می‌کند. محور اصلی روایت، ماجرای زندگی راوی، پری‌سیما، گل‌گیسو است، نیز زندگی افرادی که به کافه می‌آیند. «شب ممکن»: در جشن تولد مازیار ماجرای اتفاقاتی می‌افتد که در فصل‌های بعد، قسمت‌هایی از این حوادث تحلیل می‌شود و گاه روایتی متفاوت از آنچه بیان شده، به تصویر کشیده می‌شود.

«تیفوس» از مجموعه «من دختر نیستم» ماجرای دختری است که پس از سفری سه‌ساله از فرنگ برمی‌گردد و از همان لحظه بازگشت دوباره، یاد مشکلاتی که قبل از رفتن به سفر در ایران داشته می‌افتد و مسائل فرهنگی ایران و غرب را با هم مقایسه می‌کند.



### جایگاه فرهنگ غرب در نشانه‌های زبانی در رمان‌های بررسی شده

در داستان‌هایی که در این پژوهش مطالعه شدند می‌توان به نشانه‌هایی از اعتباربخشی به فرهنگ بیگانه و چشم‌پوشی از مظاهر فرهنگ خودی دست یافت. اشاره به برندها و مارک‌های برتر، استفاده از واژه‌های لاتین به جای معادل فارسی آن‌ها، کاربرد جملات به زبان‌های دیگر (انگلیسی، فرانسوی و آلمانی) در میان متن فارسی رمان، استفاده از واژه‌هایی که معادل فارسی برای آن‌ها وضع نشده است. فراوانی استفاده از نام هنرپیشه‌ها و نویسندگان و دیگر شخصیت‌های هنری و فرهنگی غربی در رمان، فراوانی استفاده از نام جای‌های غربی (کشورها، شهرها، خیابان‌ها...) و اقتباس رمان‌ها از نمونه روایت‌های غربی آن نشانه‌هایی از رویکرد غرب‌زده نویسندگان این رمان‌هاست.

#### ۱. اشاره به برندها و مارک‌های برتر

شیوه لباس‌پوشیدن و نوع پوشش، بازتابی از اعتقادات شخصی است و بین شاخصه‌های فرهنگی هر جامعه جزو مهم‌ترین‌ها به شمار می‌آید؛ مدل، طرح، رنگ، نقش و نماد روی لباس درحقیقت، به‌عنوان بازتابی از نوع تفکر و حتی حالات روحی روانی فرد شناخته می‌شود. درواقع، نوع پوشش افراد در فرهنگ عمومی هر کشور، شناسنامه و هویت آن جامعه را به‌وجود می‌آورد؛ به‌این‌ترتیب، لباس ازجمله متون تصویری دارای نشانه‌های فرهنگی است که بیان‌کننده معانی اجتماعی و فرهنگی در هر دوره تاریخی می‌باشد یا به عبارت بهتر، نوعی نظام نشانه‌ای و ازجمله رمزگان فرهنگی به شمار می‌آید.

از دید نشانه‌شناسی می‌توان، پوشاک و لباس را در حکم دالی دانست که به معیارهای فرهنگی و اخلاقی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خاص هر فرد در جایگاه مدلول اشاره می‌کند و میزان و اهمیت آن برای معناسازی و معناداری در ارتباط با اجتماع انسانی و فرهنگ جامعه را نشان می‌دهد. مثلاً نوع لباس بیانگر وضع مالی و طبقه اجتماعی کسی است که آن را پوشیده است. پیروی از سبک خاصی در لباس یا مُدِ رواج‌یافته‌ای از پوشاک نوعی رفتار جمعی اجتماعی است که طی آن، نشانه‌هایی که هر یک جزئی از یک نظام نشانه‌ای هستند توسط اشخاص بازتولید می‌شوند. به‌استدلال بارت (۱۳۷۰) لباس‌ها به

نظام مد اجازه می‌دهند تا پیام‌های خود را با عناصری ساده بازآفرینی و باززایی کنند. نظام مد، نظامی است که بر اساس تصمیمات معدودی رایزن و مشاور بنا شده و بر اساس هم‌ارزی‌ها و آمیزش‌ها، مناسبات اختیاری را هم‌چون مناسباتی اجباری و طبیعی یا به‌عنوان نوعی قانون‌گیرناپذیر به نمایش می‌گذارد. زبان مد لباس از توده سخنگو ناشی نمی‌شود؛ بلکه از گروهی صادر می‌شود که تصمیم‌ها را می‌گیرند و زیرکانه و دقیق رمز را می‌سازند. به‌این ترتیب، لباس هر فرد و نوع پوشش او یا نمودی از همراهی با هنجارهای جامعه است یا تصویری از ناهنجاری‌ها و تلاش برای متفاوت‌بودن و هویت‌یابی خاص است. استفاده از مارک‌ها و برندهای برتر دنیا موضوعی است که در کشورهای مصرف‌کننده و جهان سومی گاه آن‌قدر پررنگ می‌شود که تبدیل به نوعی ارزش و برتری در برابر محصولات و تولیدات داخل کشور می‌شود.

در داستان‌های مطالعه شده تنها در «شب ممکن» نامی از برندها نیامده، اما در بقیه روایت‌ها، به جرأت می‌توان گفت حداقل دغدغه یکی از شخصیت‌های داستان، داشتن اشیا و اجناسی با مارک‌های خاص است. مثلاً در «یوسف‌آباد» نویسنده توضیح می‌دهد که علت آوردن نام این همه مارک و برند برای چیست. «می‌خواستم عکاس مد بشوم، حتی اگر لازم بشود سوار دوچرخه‌ام بروم آن سر دنیا. مد، مارک، برند» (۹) اندیشه و تفکری بر پایه نام‌ها و برندهای خارجی برای شخصیتی که دوست دارد عکاس مد بشود (سامان در یوسف‌آباد) تا حدودی باورپذیر است؛ اما در داستان‌های دیگر به نوعی فقط نقش غرب‌زدگی را پررنگ‌تر می‌کند. گویا نویسنده با چنین شگردی کوشیده است تا برای شخصیت‌ها نوعی وجهه و ارزشمندی ایجاد کند که در آوردن نام محصولات ایرانی به دست نمی‌آمده است. در زیر انواع مارک‌ها و برندهای اشاره شده در این رمان ذکر می‌شوند:

یوسف‌آباد: آدیداس (۷) / کاربونل (۸) / زارا (۹) / رانگلر (۹) / کالوین کلین، ماسیمودوتی (۹) / آل‌استار و چنل و دولچه (۱۴) / عینک فندی (۲۱) / کت و شلوار پیرکاردن (۲۳) / کلاه گپ (۶۷) / شکلات اورجینال سوئسی (۶۰)

نگران نباش: بلوز و شلوار نایک (۸) / تی شرت جوردانو<sup>۱</sup> بژ (۱۱) / با لباس پارسیسی (۱۲) / گلدون بلژیکیه (۳۳) / بوی توتون کاپیتان بلک (۸۲) / بوی عطر ورساچه (۶۴) / چسب‌های ویت<sup>۲</sup> (۶۷) / کافه پیانو: مچ‌تری اصلاح کنم (۹) / آججوی بالتیکا<sup>۳</sup> (۱۴) / شکرهای درشت کوبایی (۱۹) / سیگار مارلبوروی (۹۵) (۱۰۷) / خمیر پای سیب لهستانی‌اش (۱۲۵) / ماشین لباسشویی وستینگ هاوس<sup>۴</sup> (۱۸۲) / عادت می‌کنیم: رولکس<sup>۵</sup> (۳۲) / زاکی اوست (۴۷) (۴۷) / دلچه‌اند گابانا، ورساچه، شانل (۱۴۲) / باید آججو انبار کنیم و کشمش بخیریم... داریم هم ترک هم هلند (۸۴) / کف سرامیک ایتالیا با زوار برنز (۶۷) / شبیه کارتیبه<sup>۶</sup> من (۱۴۱)

## ۲. استفاده از واژه‌های لاتین به جای معادل فارسی آن‌ها

فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای بسیاری از واژه‌های غربی معادلی فارسی وضع کرده است؛ اما متأسفانه این معادل‌یابی گاه بعد از جاافتادن واژه بیگانه عرضه شده است و گاه معادل گذاشته شده چندان سلیس و روان نیست که فارسی‌زبان بتواند به راحتی از واژه برگردان فارسی استفاده کند. البته از حق نگذریم که بی توجهی به اهمیت معادل‌گذاری در نگارش افراد تحصیل کرده ایرانی نیز در کاربرد و ترویج برخی واژه‌های غربی بی تأثیر نبوده است. نگاهی کوتاه و گذرا به نگاه‌های این چند دهه اخیر به ویژه داستان‌نویسان مؤید این مطلب است:

۱- برند پوشاک و چرم

۲- مارک فرانسوی

۳- بزرگ‌ترین آججوسازی در شرق اروپا

۴- شرکت آمریکایی

۵- شرکت ساعت‌سازی سوئیسی

۶- شرکت طراحی، تولید، توزیع و فروش جواهرات و ساعت

۳. واژه‌هایی که معادل فارسی دارند؛ اما نویسنده ترجیح داده همان لفظ

فرنگی آن را بیاورد

یوسف‌آباد: کات کرده (۸) / هانی یادت نبود (۹) / چرا با تو دیت دارم؟ (۱۰) (۱۲) / بنشیند روی صندلی رکینگ (۴۹) / فشن تی وی (۱۵) / لهجه‌اش امریکن امریکن است. (۱۳) / پراید هاچ بک (۲۶) / دو ویتو آرتیست (۱۰) / فون بوک / دکمه کال را فشار ندهد (۲۳) / ژورنال‌ها (۱۰۷) / یک متن فرمال (۷۷) /

نگران نباش: شینیون (۱۰) / آنلاین (۱۲) / برای کلوز آپ (۱۶) / «پرنسس من» (۱۹) / نت ورک بیزی (۲۷) (۵۱) / ۵ مین دیگه اونجام» (۲۷) / سندینگش فیلد می‌شود. دوباره سند می‌کنم، فیلد می‌شود، سند می‌کنم، فیلد می‌شود (۲۷) / هر چی یوزر است (۴۹)

عادت می‌کنیم: بروشوری زیر بغل (۱۱) / «آرشیکتک هستید؟» (۱۸) / یک یکی پلیمبر گنده بز نیم به بدن (۲۶) / فلاور باکس و استخر و سونا و جکوزی (۶۷) / شامپاین دروغکی توی کریستال راستکی (۶۸) / سایانورا (۸۵) / پانتومیم بازیش گرفته (۲۵۶) / کوپ و براشینگ (۲۳۷) / براشینگ، ... ایپلاسیون، ... تاتو، گریم عروس. در کوپ و براشینگ ... را باز کردند (۲۳۶) / خیرسرمان فرست کلاس بودیم... زنگ بز نیم به ددی... بیلدینگ یه دو سه بلاک دوتر از ما پنت‌هاوس خریده‌اند... سونا و ماساژ و جیم (۲۳۹)

شب ممکن: اورجینال نیست (۴۷) / کمپوزیسیون (۴۹) / عنوان اولیه ترم... «بازتاب اروتیزم...» (۵۳) / یک متن فرمال بیرم روی صحنه (۷۷) / ما انسان‌ها چیزی داریم به اسم کالیبر (۸۳) / ژورنال‌ها (۱۰۷)

۴. کاربرد عبارت‌ها و جملات به زبان‌های دیگر در میان متن فارسی رمان

درست است که از ویژگی‌های رمان‌های مدرن و پسامدرن کاربرد واژگان و عبارات از زبان‌های دیگر در متن است، اما رمان‌های برگزیده نشان می‌دهند که جز استفاده از شگرد داستانی نوعی تشخیص و هویت‌یابی منظور نظر شخصیت‌های داستانی است. گویی شخصیت‌های داستانی در این دهه کمتر می‌کوشند تا معادل فارسی واژه‌های کلامشان را بیابند؛ درست است که این نوع صحبت کردن در میان جوانانی که زبان خارجی می‌دانند تا

حدودی رواج یافته است، اما فراوانی کاربرد آن‌ها در زبان شخصیت‌های داستانی بسیار است.

کافه پیانو: mail box و connect (242)/ connection و ZDF (246)/ disconnect و  
(245) My document (251) / send (247) / Yahoo (86) / BBC  
یوسف آباد: sms (8) / hey you? / teacher (23) / missed call (9) / sale و reading  
و (70) / essay (61) / writing

نگران نباش: Hey Charlie I'm pregnant (40)

And I stopped takin dope (41) / And living on the 9th street (41)

Follow the freezing moon (128) / Even though its not his baby (41)

شب ممکن: What would you like to eat? / What's on the menu?

عادت می‌کنیم: Shall we you (85) / Bon appetite (100) / Wedding  
coordinator (214) / range (173)

۵. استفاده از واژه‌هایی که معادل فارسی برای آن‌ها وضع نشده است.

البته از این نکته هم نباید غافل شد که گاه ترجمه و معادل‌یابی اصطلاحات علمی واقعاً ید طولایی می‌خواهد که به گروهی متخصص برای جایگزینی واژه‌ای مناسب نیاز دارد. امید است روزی برسد که معادل‌هایی درخور برای این واژه‌ها بیابیم:

نگران نباش: پیانو رویال (۹۳)(۹۵) / سونات (۳۳) / سونات<sup>۱</sup> شماره یک موتزارت<sup>۲</sup> (۳۲) /  
نت دومینانت یک سونات (۵۷) / ر دیزهاش<sup>۳</sup> (۱۰۶) آا... می مینوره<sup>۴</sup> (۱۰۶) / کنسرت پست  
مدرن آتونال<sup>۵</sup> (۱۰۸) / چرا هیچ آکوردی باهاش جور نمیشه (۱۰۵) / یک ملودی قدیمی  
ارمنی (۱۰۵) / هارداک<sup>۶</sup> (۱۰) / فادیز داره ولی آکوردهای سل ماژور بهش نمی‌خوره

۱- ساخته‌ای موسیقایی است که معمولاً برای ساز تک‌نواز یا گروه کوچکی از سازها نوشته شده باشد.

۲- آهنگ ساز اتریشی، موسیقی دان کلاسیک بود.

۳- گام‌های ماژور

۴- گام کوچک یا گام مینور

۵- در عمومی‌ترین تعریفش به موسیقی فاقد تونالیتیه مرکزی یا کلید گفته می‌شود.

۶- یا هوی راک یکی از زیرشاخه‌های موسیقی راک است.

(۱۰۶) انوانسیون<sup>۱</sup> (۹۲) / جز رکوئیم و دووم متال گوش نمی دهد (۱۱۱) / رکوئیم باخ (۱۱۱) / بلک متالها<sup>۲</sup>

## ۶. کاربرد نام هنرپیشه‌ها و نویسندگان و دیگر شخصیت‌های هنری و فرهنگی

### در روایت

مطلبی که در این داستان‌ها حائز اهمیت است نام بازیگران، نویسندگان، هنرپیشه‌ها و بزرگان علم و ادب غربی است و این نشان‌دهنده توجه و علاقه نویسندگان این دهه به غرب و شایسته دانستن محصولات فرهنگی آنهاست تا آنجا که دیگر دانشمندان، بزرگان ایرانی و همین‌طور اساطیر محو و کمرنگ و به عبارت بهتر ناپدید می‌شوند. البته نویسندگان به فراخور علاقه گاه به هنر نقاشی و هنرمندان آن، گاه به هنر موسیقی و وسایل و اصطلاحات خاص مربوط به این رشته و گاه به هنر بازیگری و سینما و بازیگران آن توجه نشان داده‌اند. به‌طور مثال در «کافه پیانو» در کنار هنر نقاشی تا چشم کار می‌کند نام بازیگران و فیلم‌های سینمایی آمده است. گویا فرهادی علاقه خاصی به سینمای غرب داشته است و سینمای ایرانی را در جایگاهی نمی‌دیده که حتی از فیلم یا بازیگری ایرانی نامی برد. در بین این پنج رمان فارسی، در کتاب «شب ممکن» به یک رمان ایرانی یعنی بوف کور هدایت اشاره شده است که در برابر سیل کتاب‌ها و نویسندگان خارجی جای تأمل دارد.

کافه پیانو: نقاشان و آثار مربوط به هنر نقاشی: هاله‌های رامبراند<sup>۳</sup> ش (۲۸) / گرینیکا<sup>۴</sup> باشد یا کار گرافیکی از اندی وار هول<sup>۵</sup> روی صورت مریلین مونرو<sup>۶</sup> ... وار هول (۱۰۰).

۱- انوانسیون در موسیقی، ساخته‌ای کوتاه و معمولاً برای یک ساز شستی دار با کنترپوان دویخشی است.

۲- یکی از زیرشاخه‌های نهایی موسیقی هوی متال است.

۳- رامبراند نقاش معروف هلندی است.

۴- نام اثری است از نقاش معاصر اسپانیایی، پابلو پیکاسو.

۵- هنرمند، نویسنده، عکاس و فیلم‌ساز پیشرو آمریکایی، از بنیان‌گذاران هنر پاپ.

۶- بازیگر، خواننده و مانکن مشهور آمریکایی بود.

بازیگران و فیلم‌های غربی: غریزه اصلی... شارون استون<sup>۱</sup> (۳۰)  
رابرت ردفورد<sup>۲</sup> ... شان پن<sup>۳</sup> نباشد؟ (۳۰) / بیانسی<sup>۴</sup> (۵۱) / فیلم‌های وسترنی که کلینت  
ایستوود<sup>۵</sup> (۴۹) / ناتوردشت<sup>۶</sup> (۲۲۴) / هاینریش بل<sup>۷</sup> را تحسینش می‌کردم. (۲۲۶)  
شخصیت رمان: جودی آبت<sup>۸</sup> (۱۱) / سیندرلا (۶۰) / لویی مخنث قزمیت (۶۲) / هانسل و  
گرتل<sup>۹</sup> (۱۸۰)

موسیقی: سایمون لبون<sup>۱۰</sup> (۷۴)

نگران نباش: نویسنده و شخصیت‌های داستانی: بورخس<sup>۱۱</sup> (۸۷) / مثل پوآرو فکر کنم (۶۲)

بازیگران و شخصیت‌های فیلم خارجی: ژان رنو<sup>۱۲</sup> (۹) / آرنولد<sup>۱۳</sup> (۳۴) / کینگ  
کونگ<sup>۱۴</sup> (۱۱۶)

چاپلین (۱۱۷) / حاج زنیور عسل (۷۵) / لئون<sup>۱۵</sup> (۴۰) / کمداکای و وپی (۳۴) / مثل جانی  
دالر<sup>۱</sup> (۴۳) / برای چی باید چارلی<sup>۲</sup> (۴۳) / مثل بارباپاپا<sup>۳</sup> (۷۹)

۱- هنرپیشه آمریکایی است.

۲- هنرپیشه، کارگردان، تهیه‌کننده و بازرگان آمریکایی.

۳- بازیگر و کارگردان آمریکایی است.

۴- خواننده، ترانه‌سرا و هنرپیشه آمریکایی است.

۵- هنرپیشه، کارگردان و تهیه‌کننده آمریکایی است.

۶- جی. دی. سالینجر

۷- نویسنده آلمانی و برنده جایزه نوبل ادبی است.

۸- شخصیت رمان بابا لنگ‌دراز به قلم جین ویستر.

۹- نام داستانی شاه‌پریانی با منشأ آلمانی است که برادران گریم آن را ثبت کرده‌اند.

۱۰- موسیقی‌دان انگلیسی است.

۱۱- از برجسته‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین است.

۱۲- بازیگر نامدار فرانسوی

۱۳- مدل، تهیه‌کننده، کارگردان، تاجر، سرمایه‌گذار، نویسنده، سیاستمدار، بازیگر اتریشی آمریکایی

۱۴- فیلمی حماسی ماجراجویی است که در سال ۲۰۰۵ ساخته شد.

۱۵- فیلمی فرانسوی

هنر غربی: مجسمه‌های دالی<sup>۴</sup> افتاده (۴۰) کارمینا بورانا<sup>۵</sup> (۱۲) / پاگانینی<sup>۶</sup> (۲۹) / موومان<sup>۷</sup> (۲۷) / موتزارت (۳۲) /

دانشمندان و بزرگان غربی: چگوارا (۶۳)

شب ممکن: هنرمندان، عالمان و افراد مشهور خارجی: میلان کوندرا و گراهام گرین (۱۴) / فلسفه اسپینوزا این طور است (۱۶)

تئوری سقوط تمدن‌های آرنولد توین‌بی را با بوف کور هدایت تطبیق دهم (۵۸)

کتاب‌های خارجی: تاریخ فلسفه ویل دورانت آشنایی (۱۶) / مارسیز را می‌خواندم (۴۰) فیلم‌های خارجی: فیلم بعضی‌ها داغش را دوست دارند، ... جک لمون (۵۴) / فیلم‌های داریو آرجانتو (۸۱) / هنرپیشه اسپایدرمن (۸۴) / مثل نیکول کیدمن (۹۷) / جیمزباند بازی برای چیست؟ (۲۰۳)

عادت می‌کنیم: بزرگان غربی: ماری آنتوانت<sup>۸</sup> کجارت (۳۰) / ژاک برل (۳۵) موسیقی غربی: شروع کرد به خواندن آواز فرانسوی (۴۵) / آهنگ ژاک برل شدم (۴۵) (۳۴) / ملانی<sup>۹</sup> ... جون بائر<sup>۱۰</sup> (۸۶)

- 
- ۱- نام مجموعه نمایش‌های رادیویی بود که از رادیوهای شبکه رادیویی سی‌بی‌اس آمریکا پخش می‌شد.
  - ۲- معروف به چارلی چاپلین، یکی از مشهورترین بازیگران و کارگردانان هالیوود و برنده جایزه اسکار
  - ۳- سریالی کارتونی، مجموعه کتاب کارتون استریپ و همچنین نام شخصیت اصلی این دو است.
  - ۴- نقاش فراواقع‌گرای اسپانیایی بود. وی همچنین در عکاسی، مجسمه‌سازی و فیلم‌سازی نیز فعالیت داشت.
  - ۵- قطعه آهنگی اثر کارل ارف است که از جمله زیباترین آثار موسیقی کلاسیک آوازی جهان
  - ۶- نوازنده ویولن، ویولا، گیتار و آهنگسازی ایتالیایی
  - ۷- به معنای بخش کاملی از یک اثر بزرگ‌تر موسیقی که خود آغاز و انجامی دارد.
  - ۸- بانویی اشراف‌زاده، ولخرج و خوشگذران فرانسوی که از روند جامعه آگاهی چندانی نداشت.
  - ۹- نوازنده ویولنسل
  - ۱۰- خواننده و ترانه‌نویس نامدار و اسطوره‌ای موسیقی فولک آمریکایی و کنشگر اجتماعی است.



هنرمندان غربی: اوناسیس<sup>۱</sup> و آلن دلون<sup>۲</sup> و مارکس<sup>۳</sup> ... بیل گیتز<sup>۴</sup> و برد پیت<sup>۵</sup> ... مارکس (۱۷۵)

یوسف آباد: یک پا دن ویتو<sup>۶</sup> شده ام (۹)(۱۳) / میس جودی ایت حامد جرویس پندلتون نیست، برای اینکه تو از نوانخانه جان گیر نیامده ای (۵۱)

رمان وداع با اسلحه را بر می دارم ... سروان و کاترین، پاروزنان عرض دریاچه لوزان را طی می کنند (۵۷)

و بریتیش را بهشان گوشزد می کردم نه اینکه از نیویورک و هنر جهانی و عکاسی و هزار درد بی درمان دیگر حرف بزنم و سربه‌هوایشان کنم (۶۱)

تفریحات و ورزش‌های غربی: کمی از سیرک ایران و ایتالیا ندارد (۳۰) / یاد دوی ماراتن (۱۴) / رینگ بوکس (۷۷) / رایج پوکر (۷۳) / میز پوکر و لیکور (۵۶) / پوکر بازان فعلی

تیفوس: شکل ژولیت بینوش<sup>۷</sup> شدی (۳۸)

## ۷. نشانه‌های فرهنگ غربی در کنار نشانه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی

یکی از مسائل جالب مطرح شده در این داستان‌ها آوردن نشانه‌های فرهنگ غربی در کنار نشانه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی است. دادخواه باینکه ایرانی بودن را قبول دارد اما در کنار مراسم مسلمانان، از مراسم غربیان نیز یاد می‌کند؛ چراکه تنها آوردن مراسم ایرانی اسلامی شاید چندان مخاطب نداشته باشد که مراسم غربیان. «چهارشنبه‌سوری، ولنتاین، شام غربیان» (ی:۱۱)

۱- همسر رئیس‌جمهور جان اف. کندی، سی‌وپنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بود.

۲- هنرپیشه فرانسوی سوییسی

۳- متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان، اقتصاددان آلمانی

۴- کارآفرین، بازرگان، سرمایه‌دار، نیکوکار و مدیر ارشد اجرایی آمریکایی

۵- بازیگر و تهیه‌کننده آمریکایی

۶- نام شخصیت داستانی کتاب و فیلم پدرخوانده

۷- هنرپیشه فرانسوی است.

درجایی دیگر ندا، سامان را شبیه به حامد بهداد هنرپیشه ایرانی می‌داند. در برابر انبوهی از هنرپیشه‌های خارجی نام بهداد در حقیقت کمیاست:

«یک وقت خیال برت ندارد من از این دختر فلرتیشیای توی هیپروت هستم که سریش هنرپیشه‌های معروف می‌شوند و روی دیوار اتاقشان پوسترشان را می‌چسبانند و صبح‌ها قبل از مسواک به پوستر مذکور سلام می‌کنند و شب جمعه‌ها امامزاده صالح می‌روند تا برای پوستر مذکور نذر و نیاز کنند. نذر می‌کنند اگر به وصال هنرپیشه محبوبشان رسیدند دختر خوبی بشوند و کاری کنند که هنرپیشه محبوبشان سال بعد برود روی سن اُسکار. نه عزیزجان. از این خبرها نیست. من برای خودم عشق جداگانه دارم. منتها این سامان خیلی شبیه حامد بهداد است، مخصوصاً وقتی اخم می‌کند.» (۸۶)

و در کافه پیانو (۴۵) هم فرهنگ ایرانی در کنار فرهنگ غربی گویا دو امر متضادی است که جمع آمدن این دو برای جعفری لحظه شگفت‌انگیزی است:

«این که یک اسپرسوخور حرفه‌ای مثل علی را ببینی که گوشه کافه پراز خرت و پرت‌های دنیای مدرن؛ یک جانماز پر نقش و نگار دست‌دوزی شده بته جقه پهن کرده زمین و دارد نماز سر وقتش را می‌خواند»

#### ۸. آوردن نام مکان‌های غربی (کشورها، شهرها، خیابان‌ها...)

حضور در غرب و نام‌بردن از مکان‌ها و خیابان‌های غربی یکی از نمودهای روشنفکران امروزی است که در «یوسف‌آباد، خیابان سی‌وسوم» کاربرد فراوانی دارد اما بسیار جالب است که فرهادی با اینکه از هیچ نام غربی فروگذاری نکرده است، به هیچ مکان یا خیابان خارجی اشاره نکرده است.

یوسف‌آباد: چند سال نیویورک بوده؟ / فیلم اگراندیس‌مان آنتونیونی، وروشکا (۱۵) / آلکاتراس<sup>۱</sup> (۲۲) / گودال ماریان (۳۲) / مرکز خرید لندن راه می‌رفته (۳۳) / هندوستان

اینجاست. توی قلب من... لیلا جاهد شبه قاره‌ای درون خودش دارد. من به سفرهای درونی اعتقاد دارم و کاما و یاما را از این سفرهای درونی به شبه قاره‌ام آورده‌ام. (۳۶)/

نگران نباش: کامل‌ترین صبحانه دنیا در کنتینتال، دبی، ابوظبی (۲۲)

هفت پشتش در تگزاس به دنیا آمده‌اند (۲۷)/ خیال می‌کنه اینجا تگزاسه (۳۵)/ مسئله

تگزاس نیست (۳۵)

انگار توی جزایز قناری حمام آفتاب گرفته (۱۳۲)

عادت می‌کنیم: فیلش یاد پاریس کرده (۱۱)/ فکر کرده کجا زندگی می‌کنیم؟

دامنه‌های آلپ (۱۳)/ لابد از دوست‌های طاق و جفت ارمنی‌اش (۱۵)

تیفوس: داغ آفتاب اسپانیا مانده بود روی تنش (۳۱) / جای نیشگون مرد روی داغ

آفتاب اسپانیا می‌سوخت (۴۰)

شخصیت‌های داستان در برخوردها و ارتباط‌های خود در ایران، تلاش می‌کنند تجربیاتی را بیان کنند که در ارتباط با فرهنگ غرب اتفاق افتاده است؛ چه در کشورهای غربی، چه در مکان‌هایی که متعلق به فرهنگی خاص در داخل ایران است؛ مثل رستوران‌هایی که غذاهای کشورهای دیگر را سرو می‌کنند یا اماکنی که پیش‌ازین رفتن به آنجا رواج نداشته است مثل کافی‌شاپ‌ها و... این ارتباط‌ها و برخورد با فرهنگ دیگری به‌نوعی تشخیص‌بخشیدن به شخصیت داستانی محسوب می‌شود و راوی می‌کوشد در جای‌جای قصه‌اش به آشنایی شخصیت‌ها با فرهنگ غرب از طریق اقامت یا سفر اشاره کند. شب ممکن: همیشه هاله را آزاد گذاشته‌ام. سعی کرده‌ام هر امکانی که در توانم بوده برایش فراهم کنم. شانزده سالش که بود، برای درس خواندن فرستادمش به یکی از بهترین مدرسه‌های لندن (۳۸)

عادت می‌کنیم: عزیزم سوشی. توی رستوران ژاپنی بیست بار خوردیم (۲۲۹)

داماد چهار ماهه رفته مأموریت بلاروس (۱۰۷)/ شیرین خندید، پس زن فرانسه شدی

(۳۳)

لابد از دوست‌های طاق و جفت ارمنی‌اش (۱۵)

(یکی از مهمان‌های مادر) داشت از عروسی دخترش تعریف می‌کرد در لس‌آنجلس  
(۳۲)

همه دوستان رفتند. فقط من مانده‌ام با این دانشگاه لعنتی (۱۹)  
کافه پیانو؛ برای همین؛ فقط یک جمله نوشتم و فرستادمش برای پابلیش شدن... مال  
یک فرانسوی به اسم لاروش بود (۲۵۳)

## ۹. رؤیای جهانی شدن در رمان معاصر

جدای از نشانه‌های ذکرشده در داستان‌ها، مسئله مهمی که در رمان «یوسف‌آباد، خیابان سی‌وسوم» شایسته یادکرد است، بحث هم‌سویی و هم‌راستایی با جهانی یک‌پارچه و همگون است؛ چرا که یکی از پدیده‌هایی که دنیای امروز آن‌را تجربه می‌کند جهانی شدن است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند با افزایش توسعه و پیشرفت در ابزارهای ارتباط جمعی، رسانه‌های جمعی و تعاملات بشری با سرعت و سهولت بیشتری صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که مرزهای میان دولت‌ها به‌طور روزافزون کم‌رنگ‌تر می‌شود و حاکمیت آن‌ها تحت تأثیر بازیگران غیردولتی به چالش کشانده می‌شود و به‌طور کلی باید گفت که دنیا به مکان واحد و کوچکی تبدیل می‌شود که حتی اتفاقی در جهان به سرعت در کل دنیا انتشار می‌یابد؛ بنابراین، در این جهان درهم‌تنیده کشورها همچون شبکه‌ای عنکبوتی به هم متصل شده‌اند که گسترش شبکه جهانی اینترنت به این روند بسیار کمک کرده است تا فرهنگ جهانی واحدی به وجود آید (ر.ک: گل‌محمدی، ۱۳۸۱) در مقابل عده‌ای معتقدند که جهانی شدن پروژه‌ای است که کشورهای پیشرفته به اجرا درآورده‌اند تا به چپاول هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته بپردازند. به اعتقاد آن‌ها جهانی شدن به ضرر کشورهای جهان سوم است زیرا از بین رفتن مرزهای حاکمیت و کنترل دولت‌ها و قوانین تعرفه و گمرک اقتصاد این کشورها از هم فرومی‌پاشد و آن‌ها محکوم به اجرای قوانین کشورهای پیشرفته خواهند بود (هلد، ۱۳۸۲) به اعتقاد گروهی دیگر از این دانشمندان پیامدهای منفی جهانی شدن به بعد اقتصادی محدود نمی‌شود در کشورهای امپریالیستی سعی می‌کنند که فرهنگ خود را بر کشورهای دیگر تحمیل کنند. مثلاً ایالات متحده

امریکا در غالب فیلم‌های هالیوودی سعی می‌کنند تا فرهنگ مصرف و الگوی زندگی آمریکایی را در سطح جهان گسترش دهد تا آنجا که برخی جهانی شدن را برابر با آمریکایی شدن می‌دانند. ترویج الگوهای سیاسی و حکومتی باعنوان دموکراسی و ارزش‌های لیبرالی از جمله حقوق بشر عامل دیگری است که در تضعیف حاکمیت کشورهای جهان سوم نقش داشته است کشورهای غربی با تبلیغ این نظام حکومتی سعی دارند تا شکل حکومتی همه کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای خاورمیانه را مطابق با الگوهای خود درآورند در این مسیر از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند کرد؛ بنابراین جهانی شدن با سرعت روزافزونی ساختار حکومت‌های کشورهای ضعیف‌تر را متزلزل می‌کند و این روند تنها به سود کشورهای پیشرفته است (ر.ک: همان).

شخصیت اصلی رمان یوسف‌آباد چنین رؤیایی را می‌پروراند:

«مارک‌ها صرفاً همان لباس یا ادکلن یا شامپو یا چیزی که ظاهراً نشان می‌دهند نیستند. پشت هریکی‌شان رؤیایی جهانی خوابیده است. مثلاً وقتی موهایم را با شامپو کلیون می‌شویم یا از حمام که بیرون می‌آیم، مام کلیون زیربلغم خالی می‌کنم، در همان لحظه دارم رؤیایی جهانی هم می‌بینم... رؤیایی جهانی، درست در همان لحظه چند میلیون نفر مثل من دارند موهایشان را که با شامپوی کلیون کفی کرده‌اند آب می‌کشند و تازه زیر دوش ترانه‌های عاشقانه هم می‌خوانند... اگر پای رؤیای جهانی در میان نباشد، شامپوهای خمره‌ای داروگر هم موهای آدم را چنان تمیز می‌کنند که وقتی زیر دوش روی موهایت دست می‌کشی، موهایت قرچی صدا می‌دهد» (۱۷)

#### ۱۰. کم‌توجهی و گاه بی‌توجهی به فرهنگ خودی

در روایت‌های مدنظر، فرهنگ ایران در برابر فرهنگ غرب ناتوان است و شخصیت و منش یک فرد غربی به مراتب والاتر و ارزشمندتر از آن چیزی است که در فرهنگ خودی است:

عادت می‌کنیم: گیرم مثل همه چیزمان شش هوا عقب افتاده‌تر از آن طرفی‌ها ( ۸۸)

همان توقعی را از من نداشته باشد که زن‌هایشان از یک شاهزاده دانمارکی یا یک نجیب‌زاده انگلیسی دارند. (۲۳۸)

تیفوس: جرأت نمی‌کرد ملتش را به فرنگی‌ها بگوید مبادا خیال کنند او هم یکی از آن‌ها [روسی] ست (۳۲)

دوست داشت پیاده برود در شهری که بعد از سه سال چرک به چشم می‌آمد (۳۳-۳۴) آینه رنگ خوش‌گذرانی را نشان می‌داد که با قطار و اتوبوس‌های فرنگ از شهری به شهری و از هتلی به هتلی می‌رود... لخت‌وپتی در رستوران‌های کنار ساحل یا خیابان غذا می‌خورد، هر جا عشقش کشید دراز می‌کشد، آفتاب می‌گیرد، کتاب می‌خواند، مجله ورق می‌زند، با فرنگی‌ها زبان خارجه تمرین می‌کند. مردهای جوان را می‌تاراند، پول‌هاش که ته می‌کشد چند صبحی در پمپ بنزینی رستورانی جایی کار می‌کند، دوباره با کوله‌پشتی‌اش آن‌قدر پرسه می‌زند تا مهلت ویزایش تمام شود (۳۱)

- البته چند جمله‌ای هم درباره فرهنگ ایرانی آمده که یادکرد آن ضروری است:

عادت می‌کنیم: ترخینه بروجردی و سالاد باقلا و جوجه بختیاری (۱۳۱)

پلیس‌های ما اتفاقاً خیلی هم درباره ماشین‌های دزدی زرنگند. چشم‌هایشان عادت کرده و شماره ماشین‌ها را سریع حفظ می‌کنند. معمولاً اگر زود خبردار شوند و ماشین در همان منطقه یا اطراف باشد، نیم‌ساعته پیدایش می‌کنند (۲۸).

## ۱۱. تأثیرپذیری از روایت‌های غربی

نویسنده کتاب «کافه پیانو» یا همان راوی اول شخص، بعد از بیرون آمدن از هیئت تحریریه روزنامه، کافه پیانو را برپا می‌کند، چنین شغلی بالطبع سبب می‌شود که نویسنده با افراد کمابیش مختلفی آشنا شود که همین برخوردها گاه دستمایه قسمتی از روایت می‌شود؛ اما به‌راستی کافه چگونه جایی است؟ و چه افرادی با چه خصوصیتی به کافه می‌روند؟

مشتریان کافه دو دسته‌اند: برخی افراد، دوستان قدیمی نویسنده‌اند و برخی مشتریان قدیم یا جدیدی که شخصیت ویژه‌شان سبب می‌شود که راوی فصلی از داستان را به آن‌ها اختصاص دهد. در این رمان «کافه پیانو»، شخصیت‌ها از طریق رفتار و کنش خودشان

معرفی می‌شوند؛ زیرا این روش عرضه کردن شخصیت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر روش نمایشی است و در واقع خواننده، از طریق اعمال و رفتار شخصیت‌هاست که آن‌ها را می‌شناسد. در بین داستان‌های مطالعه شده، فرهاد جعفری تا حدود زیادی تحت تأثیر فرهنگ غربی است، حتی سبک نویسنده در روایت‌پردازی داستانش، کپی «ناتور دشت» است. نخستین تصویری که نویسنده ارائه می‌دهد، چنین است: «تقدیم به خواهرم فریبا و همین‌طور به هولدن کالفیلد<sup>۱</sup> عزیز».

هولدن کالفیلد بی‌شک برای ذهن نویسنده جایگاه و مقامی بس بزرگ داشته که در صدر داستان آمده است؛ اما آیا هیچ‌یک از شخصیت‌ها و داستان‌های ایرانی اثری در ذهن نویسنده نداشته، از طرفی آیا تمام خوانندگان ایرانی داستان، هولدن کالفیلد را می‌شناسند؟ در ادامه داستان و روایت، تا حدودی از هاینریش بل و کتاب «عقاید یک دلقک» نیز استفاده شده، البته راوی خود نیز چند بار به این موضوع اشاره می‌کند.

کافه پیانو با روایتی درباره اندیشه و طرز فکر نویسنده درباره لباس و پوشاک و تأثیر آن بر روی فرد، در انجام کارهای اساسی و مهم آغاز می‌شود. فرهنگ غرب، موضوعی است که در رمان کافه پیانو جایگاه ویژه‌ای یافته و حتی در واژه‌هایی نیز دائم تکرار می‌شود و گاه نیز برجسته شده است. پس تا حدودی می‌توان حدس زد که مشتریان و مراجعه‌کنندگان کافه نیز چون نویسنده با دنیای غرب و آداب و رسوم غربی و به‌ویژه ادبیات غرب به‌خوبی آشنایی دارند و غرب و فرهنگ غرب را بر فرهنگ و آداب و رسوم خود ترجیح می‌دهند. استفاده از واژه‌های غربی شاید برای خوانندگان آشنا با چنین ادبیاتی دل‌چسب و جذاب باشد اما آیا برای مخاطب عام نیز همین کارکرد را دارد؟ آیا همه خوانندگان عقاید یک دلقک هاینریش بل یا... را می‌شناسند؟

و همیشه خدا هم از این جوراب‌های «سه جفت هزار تومن» پایم کرده‌ام که پای  
آدم بدجوری تویشان احساس سبکی و جلفی می‌کند و اعتمادبه‌نفس را از آدم  
می‌گیرد. طوری که هر بار بهشان نگاه می‌کنی؛ به خودت می‌گویی نه. با این  
پاپوش‌ها، همان بهتر که سرت توی لاک خودت باشد... ژلیت چه اعتمادبه‌نفسی

بہت می‌داد. ... کافه را باز کرده‌ام، برای این که با درآمدش بتوانم یکی دو دست  
کت و شلوار... دو جفت کفش تخت چرم بخرم که وقتی می‌پوشمشان؛ فکر کنم  
حالا هرچی، اما باید قدمی بردارم (۳-۵)

مثل جنتلمن‌های انگلیسی (۲۷) / تا نصفه‌هایش را هم داده‌ام ویترای کشیده‌اند (۲۷) /  
پرفورمانس (۴۷) هر هفته، یک پرفورمانس (۵۰) / یک تکه شکلات کدبری اعلا  
برمی‌دارم (۵۸) / کیف کوله‌پشتی... انداخت گردن یک صندلی لهستانی نزدیک بار (۱۰) /  
قهوه استارباکس ام تمام شده (۲۴۲)

### بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در بالا آمد نمونه‌هایی از بروز فرهنگ غربی از دریچه زبان در داستان‌نویسی برخی نویسندگان امروز ایران است. سلطه ارزشی فرهنگ دیگری که در این مقاله مطالعه غرب است از میان روایت‌های داستانی سربرمی‌آورد و گرایش دسته‌ای از نسل جوان امروز ایران را به پذیرش بی‌چون و چرای آن نمایش می‌دهد. در تقابل نظام فرهنگی خود و دیگری، دیگری دارای مرکزیت می‌شود و خودی در حاشیه جای می‌گیرد. چگونگی اعتباربخشی به فرهنگ دیگری نتیجه بی‌ارزش شمردن فرهنگ خودی می‌شود و همان‌طور که ملاحظه می‌شود در داستان‌های بررسی شده شخصیت‌های داستانی، آرزوی زندگی در جامعه غربی را در سر می‌پروراند و اهمیت و اعتبار چندانی برای فرهنگ خودی قائل نیستند. این وادادگی را می‌توان نادیده‌انگاری فرهنگی نامید که در فرهنگ برخی کشورهای جهان سوم رخ داده است و به نظر می‌رسد نشانه‌های متنی هم آن را تأیید کند. با توجه به اینکه پیروی از این نظام ارزشی بی‌چون و چرای فرهنگ غربی را تأیید می‌کند می‌توان به این نتیجه رسید که در سال‌های اخیر اغلب نسل جوان روشنفکر ایرانی جویای رهایی از فرهنگ خودی و روی آوردن به فرهنگ غربی هستند. همان‌که سال‌ها پیش از این جلال آل‌احمد آن را با مفهوم غرب‌زدگی مطرح کرده بود.



## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Susan Pourshahram



<http://orcid.org/0000-0002-5369-3539>

Maryam Hosseini



<http://orcid.org/0000-0002-7105-1644>

### منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۸۸). *غرب‌زدگی*. تهران: انتشارات ژکان.
- اباذری، یوسف و بهیان، شاپور. (۱۳۸۶). *دیگری؛ بازخوانی سه رمان فارسی در پرتو گفتمان غرب‌زدگی*. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۱۰)، ۹۹-۱۳۱.
- ارسطویی، شیوا. (۱۳۸۶). *من دختر نیستم*. تهران: قطره.
- ایگلتن، تری. (۱۳۸۰). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- بارت، رولان. (۱۳۷۰). *عناصر نشانه‌شناسی*. ترجمه مجید محمدی. چاپ اول. تهران: نشر بین‌المللی الهدی.
- بروجردی، مهرزاد. (۱۳۸۷). *روشنفکران ایرانی و غرب*. ترجمه مهشید شیرازی. چ ۵. تهران: فرزانه روز.
- پیرزاد، زویا. (۱۳۹۶). *عادت می‌کنیم*. تهران: نشر مرکز.
- جعفری، فرهاد. (۱۳۹۵). *کافه پیانو*. چ ۴۹. تهران: نشر چشمه.
- دادخواه، سینا. (۱۳۸۸). *یوسف‌آباد، خیابان سی‌ودوم*. چ ۲. تهران: نشر چشمه.
- شهسواری، محمدحسن. (۱۳۸۹). *شب ممکن*. تهران: نشر چشمه.
- قانون‌پرور، محمدرضا. (۱۳۹۲). *در آینه ایرانی؛ تصویر غرب و غربی‌ها در داستان ایرانی*. ترجمه مهدی نجف‌زاده. تهران: تیسرا.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و هویت*. تهران: نشر نی.
- محب‌علی، مهسا. (۱۳۸۸). *نگران نباش*. چ ۴. تهران: نشر چشمه.
- مرعشی، نسیم. (۱۳۹۴). *پاییز فصل آخر سال است*. چ ۳. تهران: نشر چشمه.

موسوی، سید صدرالدین، درودی، مسعود و اسلانی کتولی، نفیسه. (۱۳۹۳). تأثیر گفتمان غرب‌زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران. *مجله ادب پژوهی*، ۸(۲۹)، ۱۶۰-۱۳۹.

هلد، دیوید. (۱۳۸۲). *جهانی‌شدن و مخالفان آن*. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.  
هلد، دیوید، آنتونی مک‌گرو. (۱۳۸۲). *نظریه‌های جهانی‌شدن*. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: چشمه.

## References

- Abazari, Y., Behyan, Sh. (2007). *Confronting the Other: A reading of three Persian novels in light of the Westoxification discourse*. Quarterly of Cultural Studies & Communication, 3(10), 99-130. [In Persian]
- Al-e-Ahmad, J. (2009). *Westernization (Gharbzadegi)* Tehran: Jakan. [In Persian]
- Arastooei, Sh. (2007). *I'm not Girl*. Tehran: Ghatreh. [In Persian]
- Barthes, R. (1991). *Elements of Semiology*. Translated by Majid Mohammadi. Tehran: Alhoda International, Cultural, Artistic & Publishing Institution. [In Persian]
- Boroujerdi, M. (2008). *Iranian Intellectuals and the West: the Tormented Triumph of Nativism*. Translated by Mahshid Shirazi. 5 Edition. Tehran: Farzanpublishers. [In Persian]
- Dadkhah, S. (2009). *Yusef Abad*, 32rd Street. 2 Edition. Tehran: cheshmeh. [In Persian]
- Eagleton, T. (2001). *An Introduction to Literary Theory*. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Ghanoonparvar, M. (2013). *In a Persian Mirror: Images of the West and Westerners in Iranian Fiction*. Translated by Mahdi Najafzadeh. Tehran: Teesa. [In Persian]
- Golmohammadi, A. (2002). *Globalization, Culture, Identity*, Tehran: Nashreny. [In Persian]
- Held, D., Grew, A. (2003). *Globalization Theory: Approaches and Controversies*. Translated by Masoud Karbasian. Tehran: cheshmeh. [In Persian]
- Held, D. (2003). *Anti - Globalization/Globalization*. Translated by Erfan Saeti. Tehran: Qoqnoos. [In Persian]
- Jafari, F. (2016). *Café Piano*. 49 Edition. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Mousavi, S., Darroudi, M., Aslani Katooli, N. (2014). *Westomania and Its Effects on Persian Fiction of 1960's and 1970's*. Adab Pazhuhi, 8(29), 139-160. [In Persian]
- Mohebali, M. (2009). *Don t Worry*, Tehran: Cheshmeh. [In Persian]

- Marashi, N. (2015). *Fall is the Last Season of the Year*. 3 Edition. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Pirzad, Z. (2017). *We Will Get Used to It (Adat mikonim)*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Shahsavari, M. H. (2010). *Night of Possible*. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]



**استناد به این مقاله:** پورشهرام، سوسن، حسینی، مریم. (۱۴۰۰). میزان حضور فرهنگ غربی در زبان و بیان برخی از داستان‌نویسان امروز ایران (مطالعه موردی: شش رمان دهه ۸۰)، متن پژوهی ادبی، ۲۵(۹۰)، ۳۱-۵۷. doi: 10.22054/ltr.2020.44167.2738



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.